

رضا تقی زاده ابهری «اوزان»

پایاخ

ناشر مولف

آذربایجان غربی - اورمیه

تلفن ۰۴۴۳۲۳۳۹۳۹۳

سرشناسه	تقی زاده ابهری - رضا ، ۱۳۳۷
عنوان و نام پدید آورنده	پاپاخ - رضا تقی زاده ابهری
مشخصات نشر	ارومیه - ناشر مولف
مشخصات ظاهری	۲۲۸ صفحه قطع رقعی (۲۱،۳*۱۴،۴)
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۳۲۷۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	ترکی
موضوع	رمان تاریخی اجتماعی
موضوع	مربوط به سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰ (بعد از تخلیه آذربایجان توسط نیرو های شوروی تا سال ۱۳۴۰)
نیراژ	جلد ۱۰۰۰
قیمت	۱۸۵۰۰ تومان
محل نشر	ارومیه
حق چاپ و نشر	برای ناشر مولف، محفوظ است
تایپ و آماده سازی	رضا تقی زاده
طرح روی جلد	احمد خضرلو

این کتاب را تقدیم میدارم :

به روان پاک ملائکه و دستهای پینه بسته آقای بزرگ.

سایه های بالای سر دوران کودکیم

و حاصل عمر این دو:

یگانه اسطوره مهر و محبت که با وجود آن هیچگاه

کمبود مادر را احساس نکردم

و تکیه گاه منم

سه که استوار که همیشه یار و یاورم هستند

و محبت نایشان قابل جبران نیست

پاپاخ

نویسنده : رضا تقی زاده ابهری

چاپ اول : پائیز ۱۳۹۴

تایپ، صفحه آرایی، ویراستاری، عکس و خط روی جلد : رضا تقی زاده

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۳۲۷۶-۸

حق چاپ محفوظ است

دفتر فروش: ارومیه - خیابان باکری - اول خیابان وکیل باشی - ساختمان شماره

۲ مجامع امور صنفی - طبقه دوم، واحد سه -

تلفن ۰۹۱۴۳۴۱۵۶۷۰ - فاکس ۰۴۴۳۲۳۳۹۳۹۳

Reza_Ozan@yahoo.com.tr

RezaOzan@gmail.com

<http://Reza-Ozan.blogfa.com>

www.reza-ozan.blogfa.com

قیمت فروش ۱۸۵۰۰۰ ریال

پیشگفتار

محتوای کتاب، یک تک گویی بلند از سالهای ۱۳۲۴ است که تا سالهای ۱۳۴۲ ادامه دارد در تابستان سال ۱۳۲۰ کشور ما از طرف نیروهای متفقین اشغال گردید، و با اینکه سرفراز مملکت، در جنگ دوم بین الملل به جهانیان اعلام شده بود ولی نیروهای متجاوز حقانیت ما را نادیده گرفته و در نتیجه ملت و مملکت دچار مصائب ناخواسته و مضاعف شدند. ببال آن در آذرماه ۱۳۲۴ آذربایجان از ایران منفک و تحت حاکمیت حزب دمکرات قرار گرفت، ره آورد شوم و منفی جنگ و تجاوز، به هم خوردن روابط جاری در جامعه و اسد شدن رینگ و سستهای اخلاق و بدتر از همه عدم تعادل اقتصادی بود که فقر و فلاکت را به اربابان آورد و به تبع آن با توجه به شرایط زمانی، افراد و قشرهای جامعه بسته به ماستشش برای حفظ منافع چند روزه خود، دسته ای با دشمن ساخته یا همسو شدند رسد بیز برای تأمین کمترین معاش خود راه چابلوسی و نوکرمآبی را پیشه کردند، عده ای هر بی تفاوت روزها را سپری می نمودند. در چنین شرایطی تحمل فشارهای چند جانبه دول و وطن پرستان بود، چرا که امکان هرگونه فعالیت از مردم دلسوز و وطن پرست و روستفک سلب گردیده و گوش شنوایی برای شنیدن فریاد های مظلوم خواهی آنان نبود.

در چنان روزگار و انفسایی سردودمان پهلوی مملکت را به لرزند خوان کارنابلد خود سپرده و به مقصد ژوهانسبورگ کشور را ترک می نماید، حکومت مرکزی نازه پا، هنوز قدرت و حاکمیت کافی برای اداره امور را ندارد و در آن اوضاع و احوال بحرانی با ادارات و سازمانهای مختلفی مواجه هستیم که رشوه و فساد و فامیل بازی، محلی برای اجرای قوانین اداری مصوبه باقی نمی گذارد. تاجاییکه اداره جاتی مانند اداره (برزو خان) راه می افتد، و سبزی فروش محله از مجلس سنای شاهنشاهی سردر

می‌آورد و وزیردربار کاری ندارد جز پذیرایی از مهمانان خاص سوئدی اعلیحضرت^۱. فضای داستان تجسم سرنوشت افراد صاف و ساده و دل‌پاک‌یست که در چنین سالهای بحرانی در چنگال اهریمن صفات داخلی و خارجی در تلاش معاش ادامه حیات هستند. در همین سالهاست که آدم گم می‌شود و انسانیت نیز تبدیل به عطر نایابی می‌گردد که در طبله کمتر عطاری یافت می‌شود. راوی در جستجوی انسانیت، فانوس بدست به هزارتوی کوچه‌های حیات سر می‌کشد واز دیوود ملول است و انسانش آرزوست، انسانی که انسان است و کاملاً مقید به قوانین انسانیت و کاملاً بدیهی است که هدف غایی او نیز جز نیک‌کاری، و کمک به هم‌نوع نمی‌تواند باشد، ولی پلیدی و فساد چنان اطراف او را گرفته و خوری در منجلاب دروغ و سیاهی و کجروی گرفتار است که حتی خود را فرادش زده و در اثر فشارهای وارده تبدیل به بیمار روانی میشود، و در نهایت با از دست دادن فرزندان که یگانه پناه و امیدش بوده اقدام به خود آزاری می‌کند و قسمتی از بدن خود را که نماد ادامه حیات و زاد و ولد است به نشانه دلزدگی از حیات و ادامه آن قطع می‌نماید که سمبل بقاء ماندگاری دایم او در بیمارستان روانی و به نوعی طرد شدن از جامعه است. سبب می‌شود.

با توجه به چنین اوضاع و شرایطی میتوان اذعان نمود که اتفاقات و ماجراهای این کتاب خیالی نبوده و مبتنی بر واقعیات میباشند.

پایاخ نوعی کلاه پوستی است که هیچگونه زیب و زینتی ندارد ولی در اصطلاح محلی به افراد ساده لوح و زود باور اطلاق می‌شود. افرادی که با صداقت و خلوص نیست و پاکی قلب خود، ایمان به حقیقت داشته و با دروغ‌گویی و حقه بازی مانعی ندارند و تنها به همین دلیل شکار خوبی هستند برای رندان و دغلبازان.

تا آنجا که اطلاع دارم تا کنون کمتر کتاب داستان بلند- لااقل در چند سال اخیر- به زبان ترکی در آذربایجان چاپ و منتشر شده است. و این اثر شاید که قدمی باشد برای شناساندن ادبیات ترکی به کسانی که زبان مادری خود را ارج می‌نهند.

است که تو کشیک می‌دهی؟ اگر اداره است چرا تابلو ندارد و من آنرا قبلاً ندیده بودم؟ در جواب میگوید اینجا (برزوخان ایداره سی) است و اداره برزو خان تابلو لازم ندارد.

سابق براین سه کتاب به نامهای (ارومیه و خاطره ها) و (در قلمرو شعر و ادب زبان ترکی) و (گرامر ترکی استانبولی) چاپ و منتشر نموده ام، کتاب حاضر متفاوت با آثار قبلی نگاهی دارد در شکل گرفتن بیماری روانی، در محیطی چنان آشفته، که به ترمی خواب کودکی در شخص ایجاد و رشد می کند و در نهایت منجر به نابودی او می شود. امید اینکه مقبول طبع خوانندگان گرامی قرار گرفته و با راهنمایی های ذیقیمت خود اینجانب را در رفع اشتباهات موجود، یاری دهند تا اگر عمری باقی بود در چاپهای بعدی مرتفع گردد.

در این کتاب سعی شده که املاء محاوره ای منطقه ارومیه مد نظر قرار گیرد و از سوی دیگر افرادی که با قرائت ترکی آشنایی زیادی ندارند دچار مشکل نشوند، از این رو اگر در املاء تعلیمات بخیرتی با نوشتار ادبی زبان ترکی وجود داشته باشد امیدوارم اساتید محترم عذر فرموده انشاءالله در چاپهای بعدی اصلاح خواهد شد. برخود وظیفه می بینم از جناب مهندس حمید شافعی، رحمان حسین زاده، سالار کفشدوز رضائیه و احمد خضرم و سایر عزیزانی که در تهیه این کتاب مرا یاری نمودند سپاسگزاری نمایم.

از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی و استاد گرامی جناب فرشید مرامی که از بدو شروع نوشتن تا پایان مرحله چاپ همیشه راهنما و مشوق من بوده اند قدردانی مینمایم.

سپاس

رضا علی زاده (اوزان)